

نقش حوزه های علمیه در مدیریت اخلاق اجتماعی؛ برای مقابله با آسیب های نوپدید

خدیجه ابراهیمی

چکیده

حوزه های علمیه در نظام اجتماعی و فرهنگی ایران، همواره یکی از مهم ترین نهادهای تولید اندیشه دینی و هدایت اخلاقی جامعه بوده اند. در دهه های اخیر، با ظهور آسیب های نوپدید اجتماعی همچون گسترش ناهنجاری های اخلاقی، ضعف سرمایه اجتماعی، افزایش فردگرایی و رشد رسانه های غیرمتعارف، نقش آفرینی هوشمندانه و ساختارمند حوزه علمیه اهمیت دوچندان یافته است. این مقاله با رویکردی تحلیلی، به بررسی ابعاد مختلف نقش حوزه های علمیه در مدیریت اخلاق اجتماعی و ظرفیت های آن برای مقابله با آسیب های نوپدید می پردازد. یافته های نظری نشان می دهد که حوزه ها از طریق آموزش اخلاق اسلامی، تربیت نیروی انسانی متخصص، تبیین ارزش های دینی در جامعه، گسترش فعالیت های تبلیغی، همکاری با نهادهای اجتماعی و توسعه پژوهش های اخلاقی، می توانند تأثیر قابل توجهی بر کاهش فساد اخلاقی داشته باشند. همچنین ضعف هایی همچون کندی در نظام پژوهش، فاصله از نیازهای روز جامعه، و کمبود رویکردهای نوین ارتباطی، به عنوان چالش های موجود شناسایی شده اند. در نهایت پیشنهاد می شود حوزه های علمیه با بازنگری در ساختارهای آموزشی و تبلیغی، استفاده از فناوری های ارتباطی و ایجاد شبکه های همکاری نهادی، نقش مؤثرتر و روزآمدتری در ارتقای اخلاق اجتماعی ایفا کنند.

کلمات کلیدی: حوزه های علمیه، مدیریت اخلاق اجتماعی، آسیب های نوپدید، فساد اخلاقی، تربیت دینی.

در دهه‌های اخیر، مفهوم فرهنگ سازمانی به یکی از بنیادی‌ترین عناصر تحلیل سازمان‌ها در حوزه علوم تربیتی و مدیریت آموزشی تبدیل شده است. فرهنگ سازمانی نه تنها مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها و باورهای مشترک میان کارکنان است، بلکه چارچوبی فراهم می‌آورد که رفتارهای حرفه‌ای، مسئولیت‌پذیری، اخلاق کاری و کیفیت عملکردهای فردی و جمعی را هدایت می‌کند. بررسی‌های مختلف نشان داده است که هرگاه فرهنگ سازمانی بر پایه ارزش‌های اخلاقی، احترام متقابل، مشارکت‌جویی و مسئولیت مشترک بنا شود، سازمان‌ها به‌ویژه سازمان‌های آموزشی می‌توانند در مسیر رشد پایدار، اثربخشی و تربیت نسل آینده نقش مؤثرتری ایفا کنند (مودب‌نیا، ۱۳۹۲).

حوزه‌های علمیه از دیرباز به عنوان نهادهای آموزشی و هدایتگر دینی در جامعه ایرانی شناخته شده‌اند و نقش کلیدی در تربیت اخلاقی، هدایت اجتماعی و تبیین هنجارهای ارزشی ایفا می‌کنند (مطهری، ۱۳۹۲). این نهادها با تولید دانش دینی، تربیت مربیان اخلاقی و آموزش متون مقدس، بستری فراهم می‌کنند تا اصول اخلاقی در سطوح فردی و جمعی نهادینه شود و جامعه بتواند با آسیب‌ها و چالش‌های اخلاقی مواجهه‌ای منطقی داشته باشد (حضرتی، ۱۳۹۵).

حوزه‌های علمیه علاوه بر نقش آموزشی، در ترویج مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تقویت همبستگی جمعی نیز اثرگذار هستند. مطالعات نشان می‌دهند که فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی حوزه می‌تواند افراد را در اتخاذ رفتارهای مسئولانه، مشارکت در امور اجتماعی و ارتقای سلامت روانی جامعه یاری دهد (هاشمی و همراهی، ۱۳۹۵؛ تربتی‌نژاد و باقرپور، ۱۳۹۷). این نقش تربیتی به‌ویژه در مقابله با رشد آسیب‌های نوپدید اجتماعی، از جمله اضطراب اجتماعی، ضعف هویت اخلاقی و کاهش سرمایه اجتماعی، اهمیت مضاعف می‌یابد (نادری و مؤمنی‌جاوید، ۱۳۹۴؛ یاسمی‌نژاد، ۱۳۹۳).

یکی دیگر از ابعاد مهم نقش حوزه‌های علمیه، ارتقاء اخلاق حرفه‌ای و تعهد سازمانی در میان کارکنان و اعضای جامعه است. حوزه با آموزش مفاهیم اخلاقی، هدایتگری فردی و گروهی و ایجاد الگویی از رهبری

اخلاقی، توانسته است اثر مثبت مستقیمی بر رفتارهای نوآورانه و پاسخگو در محیط‌های اجتماعی و آموزشی داشته باشد (کیدوری و خجسته، ۱۳۹۷؛ درگاهی و معمایی، ۱۳۹۹؛ طاهری‌عطار، ۱۳۹۷).

همچنین حوزه‌های علمیه با تولید محتوای پژوهشی و اخلاقی مبتنی بر واقعیت‌های جامعه، می‌توانند خلأهای آموزشی و فرهنگی موجود را پر کنند و به ایجاد پلی میان آموزه‌های سنتی و نیازهای جدید اجتماعی کمک نمایند. این رویکرد موجب می‌شود تا نهادهای مدرن آموزشی و فرهنگی نیز بتوانند از ظرفیت‌های حوزه بهره‌مند شوند و در مسیر ارتقای اخلاق اجتماعی، همگرایی بیشتری ایجاد شود (حضرتی، ۱۳۹۵؛ قائمی‌نیک و سعیدی، ۱۴۰۰).

در نهایت، با توجه به افزایش پیچیدگی مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در عصر حاضر، نقش حوزه‌های علمیه به عنوان بازیگر اصلی در مدیریت اخلاقی جامعه و هدایت سرمایه‌های انسانی و اجتماعی بیش از پیش پررنگ شده است. این نقش تنها محدود به آموزش و تربیت فردی نیست، بلکه حوزه‌ها با ایجاد الگوهای رفتاری، رهبری اخلاقی و ترویج مسئولیت‌پذیری اجتماعی، قادرند به کاهش مشکلات اخلاقی و ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی کمک کنند (خلیلی عراقی و یقین‌لو، ۱۳۸۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۹).

از آنجا که بخش زیادی از هویت اخلاقی دانش‌آموزان و نوجوانان تحت تأثیر ارزش‌های دینی جامعه شکل می‌گیرد، حوزه‌های علمیه نقش مهمی در تولید محتوای اخلاقی و تربیت نیروهای متخصص دارند. پژوهش‌هایی مانند مؤمنی‌جاوید و نادری (۱۳۹۴) نشان داده‌اند که آموزش‌های مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی اسلامی می‌توانند اضطراب اجتماعی، تعارض‌های رفتاری و مشکلات هیجانی دانش‌آموزان را کاهش دهند. بنابراین اهمیت نقش حوزه فراتر از یک ساختار آموزشی است و مستقیماً به سلامت روان و رشد اخلاقی دانش‌آموزان مربوط می‌شود.

بخش عمده‌ای از مربیان دینی، مشاوران مذهبی، ائمه جماعات مدارس، و فعالان فرهنگی کشور از حوزه علمیه تربیت می‌شوند. این افراد خط مقدم تربیت اخلاقی هستند. اگر آموزش اخلاقی حوزه تقویت شود،

مستقیماً کیفیت اخلاقی مدارس، دانشگاه‌ها و محیط‌های کاری بهتر می‌شود (قائم‌نیک و سعیدی، ۱۴۰۰). به همین دلیل نقش حوزه یک حیاتی برای آینده تربیتی کشور است.

در این میان، نقش رهبری اخلاقی به عنوان عامل پیشران تغییر بسیار تعیین‌کننده است. رهبران اخلاقی با ایجاد الگوهای رفتاری سازنده، می‌توانند مسئولیت‌پذیری اجتماعی کارکنان را تقویت و فرهنگ سازمانی را در مسیر شفافیت، عدالت، مشارکت و اعتمادسازی هدایت کنند. پژوهش‌های داخلی بر این نکته تأکید دارند که رهبری اخلاقی سبب ارتقای رفتار نوآورانه، تقویت وفاداری سازمانی، ارتقای استقلال کاری و ایجاد رفتارهای مشارکتی در سازمان‌های آموزشی می‌شود (طاهری عطار، ۱۳۹۷؛ میرزاییگی و معروفی، ۱۳۹۹).

اما مسئله اصلی این است که هنوز درک روشن، یکپارچه و مبتنی بر شواهد کافی درباره شیوه اثرگذاری متقابل سه مؤلفه فرهنگ سازمانی، رهبری اخلاقی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در محیط‌های آموزشی شکل نگرفته است. از یک سو، مشخص نیست که چه الگوهایی از فرهنگ سازمانی بیشتر از دیگران توانایی تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی را دارند و از سوی دیگر، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم رهبری اخلاقی بر این فرایند چگونه است. همچنین میزان نقش رفتارهای اخلاقی و ارزش‌های فردی کارکنان در تقویت این چرخه نیازمند تحلیل دقیق‌تر است.

شکاف‌های نظری و کاربردی موجود نشان می‌دهد که نظام آموزشی کشور نیازمند مطالعه‌ای عمیق، مستند و توسعه‌گرا درباره این موضوع است تا بتواند مسیر جدیدی برای مدیریت فرهنگی و اخلاقی مدارس پیشنهاد دهد (حضرتی، ۱۳۹۵؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۹).

هدف کلی تحلیل رابطه میان فرهنگ سازمانی، رهبری اخلاقی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در سازمان‌های آموزشی و تبیین نقش این سه متغیر در ارتقای کارکردهای تربیتی و اخلاقی کارکنان است. اهداف فرعی شامل موارد زیر است:

۱. تبیین نقش فرهنگ سازمانی در ارتقای رفتارهای اخلاقی و مسئولیت‌پذیری کارکنان (مودب‌نیا،

۱۳۹۲).

۲. بررسی تأثیر رهبری اخلاقی بر اعتماد، عدالت و رفتارهای مسئولانه کارکنان در محیط‌های آموزشی (درگاهی و معمایی، ۱۳۹۹).

۳. تحلیل نقش مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بهبود روابط انسانی، انگیزش تحصیلی و عملکرد حرفه‌ای (یاسمی‌نژاد، ۱۳۹۳؛ تربتی‌نژاد و باقرپور، ۱۳۹۷).

۴. شناسایی عوامل بازدارنده توسعه فرهنگ اخلاقی و مسئولیت‌محور در سازمان‌های آموزشی (حضرتی، ۱۳۹۵).

۵. ارائه الگوی کاربردی برای توسعه رفتارهای اخلاقی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در مدارس و دانشگاه‌ها. اهمیت بررسی این سه مؤلفه زمانی آشکار می‌شود که بدانیم مدارس و دانشگاه‌ها تنها مراکز آموزشی نیستند، بلکه نهادهایی هویت‌سازند که فرهنگ اجتماعی نسل آینده را بازتولید می‌کنند. از این‌رو، ضعف در فرهنگ سازمانی و اخلاق حرفه‌ای، پیامدهایی فراتر از محدوده سازمانی ایجاد کرده و بر کل جامعه تأثیر می‌گذارد (خلیلی عراقی و یقین‌لو، ۱۳۸۳).

اهمیت دیگر موضوع، نقش مستقیم آن در ارتقای کیفیت آموزش است. پژوهش‌های داخلی بر این مسئله تأکید دارند که رهبری اخلاقی با افزایش عدالت و اعتماد، می‌تواند رفتارهای نوآورانه و مشارکتی را به‌شدت تقویت کند (طاهری عطار، ۱۳۹۷). این مسئله در شرایط کنونی نظام آموزشی ایران، که بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازنگری فرهنگی و ساختاری است، اهمیتی دوچندان می‌یابد.

همچنین مسئولیت‌پذیری اجتماعی، به‌عنوان یک ارزش انسانی و اخلاقی، ریشه در اصول تربیتی، باورهای دینی و هویت فرهنگی جامعه دارد. مدارس زمانی می‌توانند این ارزش‌ها را به دانش‌آموزان منتقل کنند که خود کارکنان و مدیران مدرسه به چنین رفتارهایی متعهد باشند (یاسمی‌نژاد، ۱۳۹۳). در این میان، فرهنگ سازمانی زمینه‌ساز و رهبری اخلاقی نقش‌آفرین اصلی در تحقق این ارزش‌ها هستند.

فرایند تبیین یافته‌ها در مطالعات علوم تربیتی و مدیریت آموزشی مستلزم آن است که پژوهشگر با نگاه تلفیقی، یافته‌های نظری، شواهد تجربی و استدلال‌های تحلیلی را در کنار هم قرار دهد تا تصویر روشن‌تری از روابط میان متغیرها شکل گیرد. بر همین اساس، یافته‌های این مطالعه با تکیه بر مجموعه‌ای از منابع معتبر داخلی شامل پژوهش‌هایی درباره فرهنگ سازمانی، رهبری اخلاقی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، هوش اخلاقی، معنویت، انگیزش تحصیلی و رفتارهای سازمانی استخراج و تحلیل شده‌اند (مودب‌نیا، ۱۳۹۲؛ درگاهی و معمایی، ۱۳۹۹؛ قائمی‌نیک و سعیدی، ۱۴۰۰).

یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزش‌های اخلاقی برگرفته از حوزه‌های علمیه بیشترین تأثیر را در تقویت رفتارهای مسئولانه و اخلاقی دارند. ارزش‌هایی مانند پاسخ‌گویی، تعهد به وظیفه، رعایت حق‌الناس، امانت‌داری و انصاف، به‌طور مستقیم در برنامه‌ها و متون حوزوی مطرح می‌شوند و پس از آموزش، در مدارس، سازمان‌ها و محیط‌های اجتماعی منتقل می‌گردند (یاسمی‌نژاد، ۱۳۹۳؛ نادری و مؤمنی‌جاوید، ۱۳۹۴). حوزه‌های علمیه با تأکید بر این اصول، قادرند الگوی رفتاری مشخصی برای اعضای جامعه ارائه دهند که موجب ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌شود (هاشمی و همراهی، ۱۳۹۵؛ تربتی‌نژاد و باقرپور، ۱۳۹۷).

تحلیل یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی رابطه مستقیمی با اخلاق عمومی دارد و از آنجایی که بخش مهمی از اعتماد اجتماعی ناشی از رفتارهای اخلاقی است، حوزه‌ها با آموزش و ترویج ارزش‌های اخلاقی، به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و افزایش اعتماد در جامعه کمک می‌کنند (خلیلی عراقی و یقین‌لو، ۱۳۸۳). به عبارت دیگر، رفتارهای اخلاقی که از آموزش‌های حوزوی نشأت می‌گیرند، نه تنها در سطح فردی، بلکه در سطح سازمانی و اجتماعی نیز اثرگذار هستند و می‌توانند زمینه‌ساز افزایش وفاداری سازمانی، همکاری و رهبری اخلاقی در محیط‌های کاری و آموزشی شوند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹؛ میرزابیگی و معروفی، ۱۳۹۹).

علاوه بر این، یافته‌ها حاکی از آن است که حوزه‌های علمیه نقش مؤثری در توسعه انگیزش تحصیلی و پرورش هوش اخلاقی دارند. آموزش‌های حوزوی با ارائه چارچوبی از ارزش‌ها و مفاهیم اخلاقی، به افراد

کمک می‌کنند تا انگیزه‌های درونی خود را تقویت کرده و رفتارهای مثبت و مسئولانه را در محیط‌های آموزشی و کاری دنبال کنند (قائم‌نیک و سعیدی، ۱۴۰۰؛ یاسمی‌نژاد، ۱۳۹۳). این روند به ویژه در میان طلاب و دانش‌آموزان نشان داده شده است که با بهره‌گیری از آموزش‌های اخلاقی، همدلی هیجانی، اخلاق تحصیلی و رفتارهای گروهی بهبود یافته و سطح اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی کاهش می‌یابد (نادری و مؤمنی‌جاوید، ۱۳۹۴؛ اصغری شربیانی و عطادخت، ۱۳۹۶).

در مجموع، یافته‌های این مطالعه تأکید می‌کند که حوزه‌های علمیه به عنوان نهادهای تربیتی و فرهنگی، محور اصلی شکل‌دهی به رفتارهای اخلاقی و مسئولانه در جامعه هستند. این نهادها با تلفیق آموزه‌های دینی، رهبری اخلاقی و توسعه مسئولیت‌پذیری اجتماعی، قادرند نه تنها سطح فردی، بلکه سطح سازمانی و اجتماعی را بهبود بخشند و نقش مهمی در ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی، ایجاد اعتماد و همبستگی جمعی ایفا کنند (درگاهی و معمایی، ۱۳۹۹؛ طاهری‌عطار، ۱۳۹۷).

نتیجه‌گیری

حوزه‌های علمیه در بطن تاریخ اجتماعی ایران نه تنها نقش هدایت دینی، بلکه نقش بنیادین در سامان‌دهی اخلاق اجتماعی ایفا کرده‌اند. با تغییرات شتابان فرهنگی و ظهور آسیب‌های جدید، اهمیت این نظام معرفتی بیش از هر زمان آشکار شده است. تحلیل منابع نشان داد که حوزه علمیه، به واسطه سرمایه نمادین و علمی خود، ظرفیت دارد تا در برابر چالش‌های اخلاقی نوپدید نظیر فردگرایی افراطی، آشفتگی هویتی، بی‌ثباتی سبک زندگی و اختلالات رفتاری ناشی از فضای مجازی، نقش اصلاح‌گرانه و توانمندساز داشته باشد (مطهری، ۱۳۹۹؛ رحمانی، ۱۴۰۲).

نتایج نشان می‌دهد که کارکردهای حوزه در سه حوزه آموزش اخلاق، پرورش مربیان اخلاقی و هدایت‌گری اجتماعی همچنان حیاتی است و نهادهای مدرن آموزشی، رسانه‌ای و فرهنگی بدون هم‌افزایی با این نهاد دینی قادر به ارائه الگوی جامع اخلاق اجتماعی نیستند. حوزه‌های علمیه با بهره‌گیری از میراث غنی اخلاق

اسلامی، توانایی دارند نظامی اخلاقی را بازتولید کنند که هم با اصول اسلامی همگام باشد و هم قابلیت انطباق با نیازهای عصر جدید را داشته باشد (بهشتی، ۱۳۹۸).

با وجود این، تحلیل‌ها نشان داد که حوزه با چند چالش اساسی روبه‌روست:

۱. فاصله نسبی میان نظام آموزشی حوزه و نیازهای روز جامعه؛

۲. کندی در تولید محتوای آموزشی و اخلاقی برای نسل جدید؛

۳. ضعف در بهره‌گیری از رسانه‌ها و فناوری‌های نوین؛

۴. کمبود ارتباط ساختاریافته میان حوزه و سایر نهادهای فرهنگی و اجتماعی.

غلبه بر این چالش‌ها به بازآفرینی ساختارهای آموزشی، تقویت پژوهش‌های مسئله‌محور، توسعه مهارت‌های ارتباطی روحانیان، و بازتعریف نقش حوزه در فضای عمومی نیاز دارد. تقویت ارتباط میان حوزه و نهادهایی همچون آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، سازمان صدا و سیما و مراکز فرهنگی، می‌تواند منجر به ایجاد زنجیره‌ای هماهنگ در مدیریت اخلاق اجتماعی شود (رشتی، ۲۰۲۰؛ رحمانی، ۱۴۰۲).

بر اساس یافته‌ها، حوزه علمیه در صورتی می‌تواند به‌طور مؤثر به کاهش فساد اخلاقی و ارتقای فضایل اجتماعی کمک کند که رویکردی فعال، آینده‌نگر، و چندبعدی اتخاذ نماید. این امر شامل تولید الگوهای اخلاقی جدید، حضور سازمان‌یافته در فضای مجازی، تربیت متخصصان اخلاق اجتماعی، و تقویت تبلیغ دینی مبتنی بر مسائل واقعی جامعه است.

در جمع‌بندی نهایی، پژوهش نشان می‌دهد که حوزه‌های علمیه ظرفیت آن را دارند که به یکی از ارکان اصلی مدیریت اخلاق اجتماعی در ایران معاصر تبدیل شوند، مشروط بر آنکه با بازنگری ساختاری، انعطاف در روش‌ها و استفاده از ابزارهای روزآمد، میان سنت اخلاقی اسلامی و واقعیت‌های اجتماعی امروز پیوندی عالمانه برقرار سازند. بدین ترتیب، حوزه می‌تواند نقشی پیشرو در ایجاد جامعه‌ای اخلاق‌مدار، متعادل، و مقاوم در برابر آسیب‌های نوپدید ایفا کند.

منابع

۱. اصغری شربیانی، عباس و عطادخت، اکبر. (۱۳۹۶). تاثیر آموزش خودگویی‌های مثبت در کاهش اضطراب امتحان دانش‌آموزان ابتدایی مبتلا به نارساخوانی. فصلنامه سلامت روان کودک،
۲. تربتی‌نژاد، مریم، و باقرپور، معصومه. (۱۳۹۷). رابطه بین آگاهی معنوی با میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی رفتار اخلاقی کارکنان دانشگاه علوم کشاورزی منابع طبیعی گرگان، دومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، مشاوره، تعلیم و تربیت.
۳. حضرتی، عباس. (۱۳۹۵). واکاوی موانع و راهکارهای توسعه فرهنگ پژوهش در آموزش و پرورش ایران. کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی مدیریت و معارف اسلامی، قم. مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی - انجمن علمی ارتباطات و تبلیغ حوزه علمیه.
۴. خلیلی عراقی، مریم، و یقین‌لو، مهرانگیز. (۱۳۸۳). سایه روشن‌هایی از مسوولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، تدبیر، ۱۴۴: ۱-۲۵
۵. خیری، طوبی؛ عبداللهی، محمدحسین و شاهقلیان، مهناز. (۱۳۹۲). مقایسه هوش هیجانی، سبک دلبستگی و عزت نفس در افراد معتاد و غیرمعتاد. مجله روانشناسی سلامت.
۶. درگاهی، حسین و معمایی، هاجر. (۱۳۹۹). مطالعه ارتباط رهبری اخلاقی مدیران با مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمان و اعتماد سازمانی کارکنان در آزمایشگاه‌های بالینی بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی تهران، آزمایشگاه و تشخیص، ۴۷: ۵۴-۶۹.
۷. دلفانی، لیلا. (۱۳۹۱). رهبری و مدیریت، اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، نوآوری و تولید ملی.
۸. طاهری عطار، غزاله. (۱۳۹۷). تاثیر رهبری اخلاقی بر چابکی سازمانی و وفاداری سازمانی با لحاظ عدالت سازمانی به مثابه متغیر میانجی (مورد مطالعه: وزارت ورزش و جوانان)، پنجمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری.

۹. قائمی‌نیک، محمد مهدی و سعیدی، علی (۱۴۰۰). بررسی میزان و عوامل موثر بر انگیزش تحصیلی طلاب سطح یک حوزه علمیه مشهد، مسائل کاربردی در تعلیم و تربیت اسلامی، سال ششم شماره ۸۰-۳۶۱
۱۰. کیزوری، امیرحسین و خجسته، شکوه. (۱۳۹۷). بررسی نقش میانجی مسئولیت‌پذیری اجتماعی در رابطه بین اخلاق حرفه‌ای با تعهد سازمانی (مورد مطالعه: اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد)، پنجمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران.
۱۱. مصباح یزدی، محمدتقی، دروس فلسفه اخلاق، تهران، انتشارات اطلاعات، (۱۳۸۹). ص ۱۰.
۱۲. مودب نیا، مطهره (۱۳۹۲)، تحلیل فرهنگ سازمانی و رابطه آن با اخلاق حرفه‌ای، پایان نامه کارشناسی ارشد، علوم تربیتی تحقیقات آموزشی، دانشگاه سیستان بلوچستان
۱۳. میرزابیگی، سیروس و معروفی، فخرالدین. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر رهبری اخلاقی بر رفتار نوآورانه خدمات با نقش میانجی رهبری مشارکتی و استقلال کاری (مطالعه موردی: اداره کل آموزش و پرورش استان کرمانشاه)، همایش ملی مجازی بومی‌سازی؛ به‌روزرسانی و کارآمدی مدیریت آموزشی در سازمان‌های آموزشی.
۱۴. نادری-، زهرا؛ و مؤمنی-جاوید، مهرآور (۱۳۹۴). تأثیر آموزش رفتار جراتمندانه بر کیفیت زندگی در مدرسه و اضطراب اجتماعی دانش آموزان دختر. رویکردهای نوین آموزشی، ۱۰(۲)، ۱۰۱-۱۶.
۱۵. هاشمی، سیداحمد و همراهی، مهرداد. (۱۳۹۵). مسئولیت‌پذیری اجتماعی، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری استانبول-ترکیه.
۱۶. یاسمی نژاد، پریسا. (۱۳۹۳). تأثیر آموزش هوش اخلاقی بر مسئولیت‌پذیری، همدلی هیجانی، اخلاق تحصیلی و بخشودگی بین فردی دانش‌آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه. پایان نامه دکتری روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.